

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۲۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۴

سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۱

آموزه‌های مهدویت در کلام رسول خدا ﷺ

امیر غنوی*

چکیده

نگاه به آینده و ارائه تصویری امیدساز و هول‌انگیز از آن، امری است که در سخنان رسول خدا ﷺ به روشنی می‌توان دید. اما بررسی دقیق‌تر آموزش‌های آن حضرت به تأمل در سخنانی نیاز دارد که بر مخاطبان خود القا کرده است. وصول به این سخنان، با توجه مشکلات در تدوین حدیث به ویژه در منابع اهل سنت، کاری دشوار است که جز بر اهل تحقیق مقدور نیست. در چنین تحقیقی باید هم به بررسی اعتبار و تهذیب مصادر پرداخت و هم بررسی اسناد را جدی گرفت.

اگرچه رسول ﷺ برای اکمال دین و تبیین همه معارف قرآنی به تمامی ابعاد بحث مهدویت توجه داشته است، اما تکرارها و تأکیدهای آن حضرت نشان از آن دارد که برخی محورهای مباحث مهدوی بیشتر مورد توجه بوده که حاکی از نیاز بیشتر مخاطبان در تبیین این قسم از آموزه‌هاست. مهم‌ترین این محورها عبارتند از: معرفی مهدی ﷺ و این که او از اهل بیت پیامبر است، سیره و رفتار او همانند رسول خدا ﷺ خواهد بود، غیبت‌هایی خواهد داشت و مؤمنان به سبب این غیبت‌ها دچار مشکلاتی خواهند شد، مؤمنان صبور در غیبت جایگاهی بلندتر از یاران عصر حضور دارند، ظهور پس از یأس و غلبه فساد رخ خواهد داد.

واژگان کلیدی

معارف مهدوی، مصادر اهل سنت، منع از نشر حدیث، جعل حدیث، غلو، تأکیدهای رسول خدا ﷺ.

* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم. (Amir_ghanavi@yahoo.com)

مقدمه

نگاه به آینده‌های دور در میان آموزه‌های وحیانی جایگاهی ویژه داشته است. هم در قرآن و هم در کلام رسول خدا ﷺ به معارف مهدوی توجهی خاص شده و آیات متعدد و روایات فراوانی شاهد بر این نگاه ویژه است.

در مقاله‌ای دیگر، از چگونگی طرح معارف مهدوی در قرآن گفت‌وگو شد؛ اما طرح آموزه‌های مهدوی در سخنان پیامبر اکرم ﷺ بحثی مستقل را می‌طلبد. گستردگی و تنوع روایات نبوی دربارهٔ مباحث مهدویت حکایت از عنایت ویژه‌ای دارد که به این مباحث بوده و تأکید خاص بر انتقال این بخش از تعالیم دینی خاطر نشان می‌کند.

اما بحث از سخنان پیامبر ﷺ در این عرصه با دشواری‌های خاصی روبه‌رو است؛ دشواری‌هایی که عمدتاً در ناحیهٔ اثبات صدور این سخنان و برخاسته از وضعیت متفاوتی است که مصادر حدیثی از آن رنج می‌برند. این مقاله را با بحث از گستردگی و تنوع در احادیث نبوی آغاز کرده و در ادامه به مشکلات خاصی می‌پردازیم که در راه استفاده از این احادیث قرار دارد. گفتار سوم، محورهای مورد تأکید در این احادیث را ترسیم کرده و آموزه‌هایی را ممتاز می‌کند که در این احادیث بیشتر مورد توجه بوده‌اند.

گفتار اول. گستردگی و تنوع در احادیث نبوی

رسول خدا ﷺ نسبت به قرآن وظیفهٔ تبیین دارد. در سورهٔ نحل به رسولان پیشین اشاره شده، مردانی که به آنان وحی می‌شد. این نکته را اهل کتاب‌های آسمانی می‌دانند و می‌توان از ایشان جویا شد:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ * بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لُبِّيْنًا لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾
(نحل: ۴۳ - ۴۴)

و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدیشان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. پس اگر نمی‌دانید، از پژوهندگان کتاب‌های آسمانی جویا شوید، [زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته‌ها [فرستادیم] و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آن چه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند.

رسول خدا ﷺ وظیفهٔ تبیین همهٔ آموزه‌های قرآنی را بر عهده دارد و باید اشارات قرآنی دربارهٔ مهدویت را چنان توضیح دهد که برای مخاطبان تا روز قیامت ابهامی نمانده و نیازهای

آیندگان نیز پاسخ گیرد.

ضرورت تبیین معارف مهدوی از سوی رسول را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان توضیح داد. دین با رسول به کمال رسیده و تمامی آموزه‌های آن در عصر رسول عرضه شده است.^۱ اوست که باید این همه را به جانشینانش و به دیگر مردمان بیاموزد. این گستردگی در آموزش‌های مهدوی رسول را نه تنها با این نوع استدلالات، بلکه با توجه به میزان روایات و تنوع منقولات رسول در این حوزه می‌توان یافت. حجم روایات نبوی و تنوع آن‌ها حکایت از تلاش پیامبر اکرم ﷺ برای پرداختن به همه ابعاد موضوعات مهدویت عامه و خاصه دارد، آن هم با تأکید و تکرار بسیار.

گفتار دوم. مشکلات خاص در مصادر احادیث نبوی

با وجود فراوانی احادیث پیامبر ﷺ در موضوعات مختلف مهدوی، استفاده از آموزه‌های نبوی با دشواری خاصی همراه است. منع از کتابت حدیث و جعل گسترده آن بی‌سر و سامانی و آشفتگی خاصی را در مصادر حدیث پدید آورد؛ بی‌سروسامانی‌ای که در کمتر حوزه‌ای از حوزه‌های معارف دینی می‌توان سراغ گرفت. این سطح از نابسامانی حاصل وجود انگیزه‌های مختلفی است که در جعل احادیث آخرالزمانی دخالت داشته است. وجود انگیزه‌های مختلف برای جعل و وضع باید به دقت و سخت‌گیری در پذیرش سند بینجامد، همان‌گونه که فقدان انگیزه می‌تواند زمینه‌ساز تساهل و تسامح در پذیرش آن باشد.

یکم. مشکلات مصادر اهل سنت

مانعت از نوشتن احادیث نزدیک به یک قرن ادامه یافت و حتی پس از رفع آن توسط عمر بن عبدالعزیز از میان اهل سنت رخت برنیست و تا عصر منصور دوانیقی و تدوین موطأ توسط مالک عملاً برقرار بود. این ممنوعیت در کنار انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی برای جعل حدیث، وضعیت بغرنجی را برای احادیث اهل سنت پدید آورد (برای بحث تفصیلی در این باره نک: عاملی، ۱۴۱۵؛ ج ۱، ۱۵ - ۱۷۹؛ و احمدی میانجی، ۱۴۱۹؛ ج ۱، ۳۵۷ - ۶۸۹).

بخاری - مؤلف معتبرترین کتاب روایی اهل سنت - هنگامی که از چگونگی تدوین کتاب خود خبر می‌دهد از جمع‌آوری ششصد هزار حدیث در وهله اول و سپس کنار گذاردن پانصد و نود هزار حدیث آن می‌گوید (نک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۲: ۴۰ و ۵۰).^۲ سخن بخاری تصویری

۱. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...» (مائده: ۳).

۲. با وجود این میزان دقت، در کتاب بخاری فقط از صحابی بی‌اعتباری مانند ابوهریره قریب به چهارصد حدیث نقل شده

روشن از وضعیت حدیث در عصر تدوین به دست می دهد.

مصادر حدیث اهل سنت در بحث مهدویت نیز گرفتار چنین مشکلاتی هستند. این مصادر را می توان بر دو دسته کلی مصادر عام و کتب فتنه ها تقسیم کرد. مراد از مصادر عام کتاب هایی هستند که به مباحث آخرالزمانی اختصاص نداشته و تنها بخشی از آن مشتمل بر چنین احادیثی است؛ مانند کتاب *مسند احمد بن حنبل*. اما کتاب های مربوط به فتنه مستقیماً به این بحث مربوط هستند؛ کتاب هایی مانند *الفتن* نوشته نعیم بن حماد بن معاویه مروزی، *الفتن* نوشته ابوصالح سلیلی، *السنن الواردة فی الفتن* نوشته ابوعمرو الدانی و همچنین *ملاحم* ابن منادی.

بهره گیری از احادیث این دو دسته کتاب به سادگی امکان پذیر نیست؛ زیرا:

۱. بسیاری از اصحاب ناقل احادیث مهدوی، قابل اعتماد نیستند؛ کسانی مانند ابوهریره، عبدالله بن عمرو بن العاص، کعب الاحبار، وهب بن منبه و انس بن مالک.
۲. در بسیاری از موارد، رجال اهل سنت برای ما قابل شناسایی نبوده و مبانی و مراجع توثیق ایشان برای ما مقبول نیست.

۳. برخی مصادر عام اهل سنت از قوت و اعتبار بهتری برخوردارند، مانند *صحیح بخاری* و *صحیح مسلم*، اما احادیث مهدوی عمدتاً در این کتب فراهم نیامده اند. کتاب هایی مانند *مسند احمد بن حنبل*، *مسند بزاز*، *سنن ابی داوود*، *مسند ابویعلی* و *المعجم الکبیر* که حجم زیادی از احادیث مهدوی را در خود جای داده اند از اعتبار و قوت چندانی برخوردار نیستند.

۴. در کتب اولیه حدیث در کنار فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان صحابه نیز ذکر شده است و باید توجه داشت که این سخنان از حجیتی و اعتباری برخوردار نبوده و باید میان آن ها و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرق نهاد. همچنین بسیاری از محدثین از قضاوت در صحت و سقم احادیث دوری جسته و صرفاً مطالب مرتبط با موضوع را نقل می کنند. برای مثال ابن حماد در اواخر جزء پنجم کتاب *الفتن* خود به نقل روایاتی پرداخته که از نام و خصوصیات مهدی عجل الله فرجه سخن گفته اند. این روایات مشتمل بر مضامین متناقض هستند و در آن ها مهدی از فرزندان علی، از فرزندان عباس و حتی از بنی امیه برشمرده شده است و همچنین عمر بن عبدالعزیز و

است (ابوری، ۱۹۶۵: ۱۲۰). بهترین تحقیق درباره اعتبار ابوهریره و احادیثش و همچنین اطلاعاتی بسیار مفید درباره محدثین بسیار مشهور اما بی اعتباری مانند کعب الاحبار، وهب بن منبه و عبدالله بن عمرو بن العاص را در همین کتاب می توان یافت.

یکی از فرزندان عبدشمس و باز خود عیسی مسیح همگی به عنوان مهدی ذکر شده‌اند. البته ابن حماد در کنار نقل‌ها، روایات متعددی را آورده که مهدی علیه السلام را از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حتی از فرزندان حسین بن علی علیهما السلام به شمار آورده‌اند. او در مورد نام مهدی نیز روایات بسیاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که مهدی هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله است، اما در کنار این نقل‌ها روایاتی را نیز آورده که او هم نام پدر حضرت علی علیه السلام است.

۵. پیش‌تر گفته شد که مباحث حوادث آخر الزمان می‌تواند عرصه خیال‌پردازی نیز باشد. مروری بر روایات وارده درباره خردجال و ابعاد محیرالعقول آن و همچنین منقولات غریب درباره دابة من الارض، داستان جساسه، قصه ابن صیاد و احوالات یأجوج و مأجوج هیچ شباهتی به سخن حکیمی چون رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد و صرفاً زاده تخیل ناب و بی حساب است. در این پیش‌گویی‌ها برخی از صحابه و تابعین نیز مشارکت دارند؛ صحابه مانند ابوهریره و عبدالله بن عمرو بن العاص که سابقه طولانی شاگردی در نزد کعب الاحبار یهودی داشته‌اند.^۱

دوم. مشکلات مصادر حدیثی شیعه

تأکید بر نوشتن و راهبری ائمه علیهم السلام در نهضت تدوین حدیث موجب شد احادیث شیعه از آفات بسیاری دور بمانند. حدیث شیعه با تکیه بر نوشتن و با تأکید ائمه بر نقل توأم با اسناد، از بسیاری از مشکلات محدثین اهل سنت به دور ماند. شناسایی دروغ‌گویان و ارزیابی رجال از سوی ائمه علیهم السلام و همچنین از سوی محدثین شیعه نیز در این حرکت تأثیر بسزایی داشت. در عصر امام رضا علیه السلام برخی اصحاب مانند ابن ابی عمیر، صفوان، بزندی و جعفر بن بشیر دست به تجمیع احادیث و تدوین جوامع اولیه زدند و در این جوامع از غیرثقات حدیثی نقل نکردند. این تسویه را رجالی مانند یونس بن عبدالرحمن با دقت‌های محتوایی پی گرفتند و با مقایسه منقولات مشکوک با مسلمات کتاب و سنت به نقض و ابرام آن‌ها پرداختند.

با این همه، شیعه نیز از آسیب‌های جعل و تحریف مصون نمانده است. تکیه بر مصادر و روایات اهل سنت، مسامحه در نقل از افراد متهم به غلو و ضعیف و همچنین استفاده از کتاب‌ها و نوشته‌هایی که مصادر و منابع ناشناخته‌ای دارند همگی از عواملی هستند که اعتبار احادیث شیعی در عرصه مهدویت را تهدید می‌کنند.

۱. تفصیل این بحث را در دو کتاب دانشمند بزرگ اهل سنت شیخ محمود ابوریه با نام‌های *الاضواء علی السنة المحمدية* و *ابوهریره شیخ المضیره بجویید*.

۱. تکیه بر مصادر اهل سنت

فضای علمی در عصر تدوین چندان دچار مرزبندی شیعه و سنی نبود و راویان حدیث برای دستیابی به سخنان معصوم علیه السلام در نزد استادانی با مذاهب گوناگون حاضر می شدند. این رویه حتی در نقل از کتاب‌های معتبر مذاهب مختلف متداول بود و مروری بر نقل‌های کتاب‌هایی مانند *الغیة طوسی*، *کشف الغمّة* و *مجمع البیان* به روشنی این اخذ و استفاده را نشان می دهد. بزرگانی چون سید بن طاووس یا فراتر گذشته و با گزینش روایات سه کتاب *الفتن* از نعیم بن حماد، ابوصالح سلیلی و ابن زکریا کتاب *ملاحم* خود را پدید آورد.

در میان این مصادر، کتاب *الفتن* ابن حماد بیشتر مورد توجه بوده است؛^۱ زیرا نقل‌های او کمتر بوی تعصب داشته و قابل اعتمادتر به نظر می رسد. افزون بر این، او اولین کسی است که بحث فتن را به صورت مسند درآورد و کتاب او را برخی قدیمی ترین متن روایی در بحث فتن محسوب کرده اند. نعیم بن حماد در دوره فترت عباسیان و درگیری‌های امین و مأمون و همچنین در عصر سبزیپوشی عباسیان و تلاش آنان برای جلب علویان به سوی خویش است. او از علی و امام باقر علیه السلام نقل‌های بسیاری دارد. اما به هر حال کتاب او همانند سایر کتاب‌های حدیثی اهل سنت مشکلات عدیده‌ای دارد و حتی نقل‌های او از امامان شیعه عمدتاً با طریق‌های ضعیف و ناپذیرفتنی است.

شاید اخذ از کتاب‌های اهل سنت در عرصه روایات مهدوی امتیازاتی نیز داشت؛ زیرا در این بخش، اهل سنت و مخالفان از نکاتی گفت‌وگو و به مطالبی اقرار می کردند که از مبانی اعتقادی شیعه محسوب می شد. اما استفاده امروز ما از این احادیث و استناد به آن‌ها با دشواری خاصی همراه است که پیش تر از آن سخن گفته شد.

۲. مسامحه در نقل از افراد ضعیف و متهم به غلو

شیعه در برخی دوره‌ها با مشکل غلو روبه‌رو بوده و بزرگان کلام و فقه شیعه در پیراستن اعتقادات شیعه از این انحراف تلاش بسیاری کرده‌اند. محدثین قم در برخورد با مسئله غلو

۱. نعیم بن حماد بن معاویه، خراسانی و از اهالی مرو بوده است. در عراق و حجاز به تحصیل علم و آموختن احادیث پرداخت و در مصر سکنا گزید. نوشته‌های حدیثی بسیاری داشته که معروف‌ترین آنها کتاب *الفتن* است. در زمان معتصم و در فتنه خلق قرآن حاضر نشد تا مطابق میل حکومت نظر دهد و بدین سبب او را به زندان انداختند و او در زندان جان سپرد. در اعتبار او سخن بسیار است؛ دارقطنی او را امام در سنن می داند، ولی او را کثیرالوهم می شمارد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱۳، ۳۰۷). او نسائی را ضعیف دانسته (نسائی، ۱۴۰۶: ۲۴۱)، برخی نیز او را به دروغ‌گویی متهم کرده‌اند (ابن عدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۱۶). برای دیدن نام جارحین نعیم، نک: حلبی، ۱۴۰۷: ۲۶۸، و برای دیدن نظرات مختلف درباره او، نک: ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۱۰، ۵۹۵ - ۶۰۲.

چنان پیش رفتند که برخی از محدثین مشهور را با چنین اتهاماتی از شهر خود بیرون راندند. رجالیین شیعه مانند ابن الغضائری و نجاشی نسبت به این انحراف حساسیت خاصی به خرج داده و بسیاری از محدثین نامی را با چنین اتهامی جرح کرده‌اند.

این رویکرد باعث شد منقولات افراد ضعیف و متهم به غلو در فقه شیعه ارجی نیابد و در حاشیه قرار گیرد. بر این رویکرد باید در عرصهٔ احادیث مهدوی سخت پای فشرد؛ زیرا یکی از عرصه‌های غلو و خیال‌پردازی حوادث آخرالزمان و داستان‌های غریب آن است. در احادیث مهدوی کم نیستند روایتی که چنین اتهامی را بر خود دارند؛ روایتی چون محمد بن علی همدانی معروف به ابوسمینه، محمد بن حسان رازی، عمرو بن شمر، منخل بن جمیل و حتی جابر بن یزید جعفی.

وجود انگیزه‌های گوناگون در جعل احادیث مهدوی باید به دقت و حساسیت بیشتر نسبت به چنین اتهاماتی باشد؛ زیرا ذهن خیال‌پرداز و اهل اغراق بیش از آن‌که در عرصهٔ فقه و احکام، جایی برای جولان بیابد در فضای حوادث آخرالزمانی و منقبت‌های آن‌چنانی حرکت خواهد کرد و تساهل و تسامح در حفظ و نقل خواهد داشت.

فقیه در استنباط احکام بر روایتی تکیه نمی‌کند که راوی مجهولی در آن حضور دارد. احراز صدور ضرورتی است آغازین در رسیدن به حجت و جرأت یافتن بر اسناد و استناد. تفقه در احادیث مهدوی نیز اگر به قصد اسناد و استناد است باید با چنین دغدغه‌ای توأم گردد. بسیاری از روایات مهدوی از چنین ضعفی رنج می‌برند و فقیه ناچار است پس از فحص تام از وضع روایت واقع در سند اگر راهی برای احراز صدور نیافت چنین سخنی را به وادی اسناد و استناد راه نداده و جز در مقام تأیید از آن بهره نگیرد.

۳. تحقیق در اعتبار مصادر متأخر حدیثی

در میان مصادر احادیث مهدوی، برخی شناخته شده‌اند؛ کافی، غیبت نعمانی، غیبت طوسی و کمال‌الدین مهم‌ترین این منابع به شمار می‌روند. اما بسیاری از روایات مهدوی از کتاب‌های متأخر نقل می‌شوند؛ کتاب‌هایی مانند *تأویل الآیات الظاهرة، التنزیل و التحریف، منتخب البصائر و تأویل ما نزل فی النبی و آله*. نقل از این کتاب‌ها نیازمند دقتی فزون‌تر در وضعیت آن‌هاست. کتاب *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة* نوشتهٔ علی استرآبادی است که در قرون نه و ده زیسته است. کتاب همان‌گونه که از نامش پیداست در بیان فضائل معصومین علیهم‌السلام نگاهشته شده و روایاتی را گرد هم آورده که برخی آیات را بر معصومین تأویل کرده و فضیلتی را بر ایشان ثابت می‌کند.

روایات این کتاب عمدتاً از تفسیر منسوب به امام عسکری، تفسیر قمی، تفسیر علی بن مہیار، مجمع البیان، کافی و همچنین از کتاب‌هایی مانند کنزالفوائد کراچکی و مصباح الانوار است. مؤلف کتاب اول معلوم نیست و مؤلف تفسیر قمی نیز مسلماً علی بن ابراہیم قمی نبوده است. روایات کنزالفوائد نیز معمولاً مرسله هستند و غیر قابل استناد. مؤلف کتاب اخیر یعنی مصباح الانوار نیز ناشناخته است.

کتاب التزیل والنحریف نگاشته احمد بن محمد بن سیار معروف به سیاری است. شیخ طوسی و نجاشی او را ضعیف و فاسد المذهب شمرده (نجاشی، ۱۴۱۶: ۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۵۷) و از نویسندگان آل طاهر دانسته‌اند. تعابیر شیخ و نجاشی درباره او نشان از متهم بودن این فرد به غلو دارد.

منتخب البصائر نوشته حسن بن سلیمان حلّی - عالم شناخته شده شیعی در قرن هشتم - است. نوشته او خلاصه‌ای است از کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله قمی محدث مشهور شیعه در قرن سوم (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۷۷). کتاب سعد بن عبدالله به دست ما نرسیده و منتخب البصائر خلاصه و گزیده‌ای از آن کتاب است. شاید با وجود در دسترس نبودن کتاب سعد بتوان تشخیص حسن بن سلیمان را پذیرفته و منقولات او از این کتاب را سخنان سعد بن عبدالله تلقی کرد، اما مشکل این جاست که حسن بن سلیمان به گزینش مطالب کتاب بصائر الدرجات اکتفا نکرده و آن چه را که مرتبط با مطالب دانسته در ادامه به کتاب افزوده است. این مطالب متفاوت، یکی از مهم‌ترین مصادر روایت غریب و متفاوت در بحث مهدویت است. منقولات کتاب از بصائر الدرجات سعد بن عبدالله غالباً مشابه با مطالب کتاب بصائر الدرجات مرحوم محمد بن حسن صفار است که شکی در اعتبار و انتساب آن به مؤلفش نیست، اما افزوده‌های حسن بن سلیمان از وضعیتی متفاوت برخوردارند و مشتمل بر غرایب بسیار.

کتاب تأویل ما نزل فی النبی وآله به عالم معروف شیعه محمد بن عباس بن علی معروف به ابن جحام منسوب است (همو: ۳۷۹؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۴۲۳).^۲ این کتاب به دست ما نرسیده و آن چه نشر یافته، قطعاتی از آن است که برخی محققان از کتب مختلف گرد هم آورده‌اند.^۳ ابن جحام در این کتاب تلاش کرده تا همه منقولات شیعه و اهل سنت در تأویل آیات در حق

۱. تعابیر ابن الغضائری درباره او تندتر است (ابن الغضائری، ۱۳۶۴: ۴۰).

۲. او از کسانی است که نجاشی در وصفشان گفته است: ثقة ثقة.

۳. این کتاب با تحقیق و تصحیح فارس تبریزیان توسط نشر الهادی در قم چاپ شده است.

پیامبر و خاندانش را یک جا گرد هم آورد. آن چه از این کتاب ارزشمند به جای مانده عمدتاً مشتمل بر مطالبی است که از مسلمات بحث مهدویت به شمار آمده و کمتر می توان در آن از غرایب سراغ گرفت.

آن چه در بررسی احادیث مهدوی باید همواره در نظر داشت، لزوم هماهنگی این احادیث با قرآن و با روایات قطعی است. آن چه از معصومین علیهم السلام در نقد روایات آموخته ایم توجه به لزوم هماهنگی هر نقل با قرآن و سنت مسلم است و باز خود فرموده اند که هر سخنی که در آن حقانیت و نورانیتی نباشد سخن آنان نیست؛ حقانیتی که نشانه آن استواری سخن، هماهنگی و انسجام آن است و نورانیتی که علامت آن راهگشایی سخن است و توجه آن به اجمال ها و اشکال ها. بسیاری منقولاتی که شباهتی به احادیث معصومین علیهم السلام ندارند و ضعف و سستی در عبارت و تهافت در متن به بطلان اسناد حکم می کند؛ منقولاتی که بیشتر به سخنان قصه پردازان و نقالان شبیه اند تا سخنان صادر شده از مصدر حکمت.

گفتار سوم. محورهای مورد تأکید در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و تحلیل آن ها

در سخنان رسول صلی الله علیه و آله توجه به تمامی ابعاد مهدویت را می توان یافت، اما برخی آموزه ها مکرراً مورد توجه و توضیح قرار گرفته اند که حاکی از اهمیت خاص آن هاست و ما در این جا به آن ها اشاره می کنیم:

۱. مهدی از اهل بیت پیامبر و از عترت اوست

او فرزند علی و فاطمه علیها السلام است و از فرزندان حسین بن علی علیه السلام؛^۱ پس از نزول آیه تطهیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور مکرر تعبیر اهل بیت را بر علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و فرزندان آن دو تطبیق کرد. این تطبیق را همگان در روایاتی مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه نوح درمی یافتند و تعبیر اهل بیت برای یاران پیامبر صلی الله علیه و آله مصادیق کاملاً مشخصی داشت. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله مهدی را از اهل بیت برمی شمرد، همگان او را فرزند علی و فاطمه تلقی می کردند، گرچه پیامبر گاه بر همین نکته نیز تصریح می نمود.

۱. حدثني علي بن الحسين عن أبيه عن فاطمة ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال لها: المهدى من ولدك (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۹۸).

عن أم سلمة، قالت: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: المهدى من عترتي من ولد فاطمة (سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰).

عن النبي صلی الله علیه و آله: لا تقوم الساعة حتى يلي رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي (شيباني، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۷۶).

و عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: والذي نفسي بيده ان مهدي هذه الأمة الذي يصلي خلفه عيسى عليه السلام منا ثم ضرب بيده منكب الحسين عليه السلام وقال: من هذا من هذا (ابن عبد الوهاب، بی تا: ۵۶).

برای دیدن مجموع این بیانات، نک: الهيئة العلمية في مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۸۱ - ۱۹۷.

معرفی مهدی علیه السلام به عنوان یکی از اهل بیت تأکیدی است دوباره بر جایگاه خاص و محوری این خاندان. اگر به آینده امیدی هست تا ابرهای سیاه به کنار روند، آن که این ابرها را کنار خواهد زد فردی از همین خاندان است. هدایت شده‌ای که نجات را به ارمغان خواهد آورد، از اهل بیت است.

در برخی روایات، پیامبر به حسین علیه السلام اشاره کرده و مهدی علیه السلام را از نسل او برمی شمارد. این بیان سندی به دست آیندگان می دهد بر بطلان مدعیان مهدویت از بنی الحسن.

۲. او هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و سیره و رفتارش همانند اوست^۱

تکرار بسیار این مطلب از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که نام مهدی نام اوست و رفتارش همانند او (اسمه اسمی) دو نکته را در خود دارد: اول، توجه دادن به این مطلب که وضعیت مهدی علیه السلام همانند اوست و گویی این رسول است که دوباره دعوت خود را آغاز کرده و دوباره به اسلام دعوت می کند؛^۲ دوم، بر زبان نیاوردن و عدم تصریح به اسم مهدی علیه السلام نوعی اشاره است به این حقیقت که نام او برده نمی شود. این سخن در کلام ائمه علیهم السلام توضیح بیشتر یافته و دلیل عدم تصریح به نام مهدی علیه السلام جلوگیری از ایجاد حساسیت نسبت به امام علیه السلام و فراهم شدن زمینه پی گیری برای یافتن اوست.

۳. غیبت های کوتاه مدت و بلند مدت حجت خدا^۳ و مشکلات برآمده از آن برای پیروان او^۴

معاصرت و همراهی با حجت های خدا امکان بزرگی است که می تواند به درکی عمیق

۱. عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدي من ولدي، اسمه اسمي، وكنيته كنيتي، أشبه الناس بي خلقاً وخلقاً (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۸۶). و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: القائم من ولدي اسمه اسمي، وكنيته كنيتي، وشمائله شمائي، و سنته سنتي، يقيم الناس على ملتي و شريعتي، و يدعوهم إلى كتاب ربي عز وجل (همو: ۴۱۱).

۲. عن عبد الله بن عطاء، قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي الباقر، فقلت: إذا خرج المهدي بأي سيرة يسير؟ قال: يهدم ما قبله، كما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و يستأنف الإسلام جديداً (ابن حيون، ۱۴۰۹: ج ۳، ۵۶۳؛ نعماني، ۱۳۹۷: ۲۳۱).
قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دَثَرَ وَ ضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَ إِنَّمَا سُويَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرٍ مَضْلُوبٍ (ابن فتال، ۱۳۷۵: ج ۲، ۲۶۴).

۳. عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم: ... ثم يغيب عنهم إمامهم ما شاء الله، و يكون له غيبتان أحدهما أطول من الأخرى (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۵۰)

عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدي من ولدي اسمه اسمي و كنيته كنيتي أشبه الناس بي خلقاً و خلقاً تكون به غيبته و خيرة تصل فيها الأمم (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۶ - ۲۸۷).

سید مرتضی رضوی در کتاب *مع رجال الفكر*، چهل نفر از علمای اهل سنت را نام می برد که به تولد یافتن امام مهدی و زندگی او اعتقاد دارند (نک: رضوی، ۱۴۱۸: ۱۸۱).

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدي من ولدي ... تكون له غيبته و خيرة حتى تصل الخلق عن أديانهم (ابن بابويه، ۱۴۰۴: ۱۱۹). و عنه صلی الله علیه و آله و سلم: منهم قائم أهل ... ليظهر بعد غيبته طويلاً و خيرة مصلية (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۱).

و بجا از معارف دینی بینجامد و رشدی سریع در حرکت را موجب شود. اما قدرشناسی، کندی و سستی در استفاده از هدایت‌های ایشان می‌تواند به شکل‌گیری شخصیت‌های خام و ضعیفی بینجامد که با غیبت، مرگ یا شهادت آن بزرگان به تحیر و تردید در حرکت یا حتی به بازگشت از مسیر مبتلا شوند. توجه دادن به غیبتی که ناگزیر است می‌تواند نگاهی درست به آینده در مخاطب ایجاد کرده و آمادگی ذهنی و روحی مناسبی را سبب شود.

۴. تعظیم و تکریم مؤمنانی که در غیبت حجت صبوری خواهند کرد^۱

رسول خدا ﷺ به بزرگداشت کسانی می‌پردازد که بدون دسترسی به حجت‌های خدا ایمان آورده و بر یافته‌هایشان پایداری می‌کنند. این تکریم، مخاطبان و همراهان رسول اکرم ﷺ را از این وهم نجات می‌دهد که همراهی و مصاحبت با رسول امتیازی محسوب نمی‌شود، بلکه معیار امتیاز قوت ایمان است و شدت یقین. آن‌ها که در حجاب از حجت و صرفاً با تکیه بر عقلانیت و جوشش درونی حرکت کرده و به ایمان و یقین می‌رسند و بر یافته‌هایشان صبوری می‌کنند جایگاهی برتر از مصاحبان رسول الهی دارند.

سخنان رسول ﷺ توهّم‌ها را برطرف کرده و معیارهای امتیاز را گوشزد می‌کند و برای غایبان از حجت نیز این بشارت را دارد که تنهایی و غربتشان می‌تواند سکوی پروازی بلندتر باشد و فرصتی برای اجر بیشتر.

۵. ظهور هنگام یأس و پس از غلبه فساد و تباهی رخ خواهد داد^۲

این تصویر از آینده، مخاطبان رسول ﷺ را از یک سو متوجه و آماده شرایط متفاوتی می‌کند که مسلمین در آینده خواهند داشت و از سوی دیگر، به ایشان این امید را می‌دهد که درست آن‌جا که امیدها پرمی‌کشد و چشم‌ها جز سیاهی را نمی‌بیند می‌توان امید داشت که نجات و نور در راه است و باید منتظرانه برای رسیدن آن کوشید.

۱. عن النبي ﷺ: ... الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِيَدْرٍ وَأُحِدٍ وَخَنِينٍ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ، فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمِلُونَ لِمَا حُمِلُوا لَمْ تَضُرُّوا صَبْرَهُمْ (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۷). و عنه ﷺ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ رَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ (همو، ۱۴۱۴: ۴۸۵). و عنه ﷺ: يَا عَلِيُّ! أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادٍ عَلَى بَيَاضٍ (صدوق، ۱۴۱۳: ۴، ج ۳۶۶).

۲. عن النبي ﷺ: ... إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرْجًا وَ تَطَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ تَقَطَّعَتِ الشُّبُلُ وَ أَعَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ بِيْرَحِمٍ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرَ يُوقِرُ كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيْنَا النَّاسِخَ مِنْ صُلْبِ الْحَسَنِ ﷺ يَفْتَحُ خُصُونَ الصَّلَاةِ وَ قُلُوبًا غَفْلًا... (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۶۳ - ۶۴).

۶. خروج در آخر الزمان

مراد از آخر الزمان، برهه‌ای از تاریخ بشر است که پیش از نابودی زمین و برپایی قیامت قرار دارد. قیام قائم و برپا شدن حکومت عدل، اوج تاریخ هدایت و ولایت است و زمین در آخرین لحظه‌های خود حکومت عدل و قسط را تجربه خواهد کرد. این روایات، از وقوع قتل و کشتار پس از رحلت حجت خدا خبر می‌دهد و این‌که خوبان و خوبی‌ها از زمین کوچ می‌کنند^۱ و زمین پراز سیاهی است که محکوم به نابودی شده و قیامت برپا می‌شود.^۲

این بیانات از یک سو بر اضطرار زمین به حجت تأکید دارد و لزوم و اضطرار به امام را با زبانی دیگر گوشزد می‌کند. بدون حضور حجت خدا علیه السلام امیدی به ادامه نیست و خوبان باقی مانده با نسیم لطف و رحمت الهی به عالم دیگر کوچ کرده و بدان میوه بدی‌های خود را چیده و حوادث هولناک قیامت را شاهد خواهند بود.

۷. در آخر الزمان شرایط خشن و پر اضطرابی خواهد بود

روایات نبوی از جنگ‌ها و ابتلائاتی در زمانی نزدیک به ظهور حجت خدا علیه السلام خبر می‌دهد (نک: الیهیئة العلمية ...، ۱۴۲۸: ج ۲ و ۳). بسیاری از این اخبار دچار مشکلات سندی یا دلالتی هستند، ولی قدر مسلم این است که فضای عمومی جوامع در آن زمان، پرحادثه و پر اضطراب خواهد بود.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، ترسیم آینده‌ای شیرین و آرام در ورای تلخی‌ها و تلاطم‌ها نوعی نگاه مثبت را به مخاطبان رسول منتقل می‌کرد؛ نگاهی که در آن در متن سختی و خشونت به آینده‌ای متفاوت امید داشت و برای آن می‌کوشید.

۸. از فتنه‌های غریبی سخن گفته شده است، آن هم با زبانی عجیب

بخش بزرگی از احادیث منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره فتنه‌هایی است که سرشار از حوادث غیرطبیعی هستند؛ حوادثی مانند خروج دجال، ویژگی‌های سفیانی و فرورفتن سپاه او در زمین، بیرون آمدن دابة الارض، هجوم یاجوج و ماجوج و طلوع خورشید از محل غروبش (نک: همو: ج ۳). در تمامی این حوادث زبان گفت‌وگوی متفاوتی را می‌توان در بیانات

۱. عن الثیبی رضی الله عنه: قَبْلَ قِيَامِ السَّاعَةِ يُرْسِلُ اللَّهُ رِيحًا بَارِدَةً طَيِّبَةً فَتَقْبِضُ بِهَا رُوحَ كُلِّ مُؤْمِنٍ مُسْلِمٍ وَ يَبْقَى شِرَارٌ يَتَهَاجُونَ تَهَاجُ الْخَوْبِرِ وَ عَلَيْهِمْ تَقُومُ السَّاعَةُ (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۵، ۲۶۳؛ همچنین نک: نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۲۲۳۰؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ۱۹۸؛ صنعانی، ۱۴۰۳: ج ۱۱، ص ۳۸۱ - ۳۸۲).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: لَا يَزْدَادُ الْمَالُ إِلَّا كَثْرَةً وَ لَا يَزْدَادُ النَّاسُ إِلَّا شَحًّا وَ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا عَلَى شِرَارِ الْخَلْقِ (راوندی، بی تا: ۱۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۵، ۲۶۳).

رسول خدا ﷺ شاهد بود.

در این بیانات، گاه از حوادثی مانند خروج دجال سخن گفته شده که ما خود را با موجودی با خلقتی متفاوت و قدرت‌های فراتر از انسان روبه‌رو می‌بینیم و گاهی نیز از دجال به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انبیای پیشین یاد می‌شود^۱ و سخن از دجال‌هاست، نه فرد مشخصی در آخر الزمان.

این وضعیت دربارهٔ فتنه‌های دیگر هم شواهد مهمی دارد. آیا سفیانی فرد خاص و مشخصی است یا حکایتی است از تپیی خاص. بیشتر روایات فرض اول هم‌ساز هستند، ولی فرض دوم نیز دارای شواهدی جدی است.^۲

به بیان دیگر، آیا فتنه‌ها و حوادث وعده داده شده، حکایت از واقعیتی مشخص است یا سخنی است کلی که می‌تواند در زمان‌های مختلف در قالب‌های متفاوت شکل بگیرد. البته پذیرش توأم هر دو فرض هم ممکن است که در این صورت میان دو دسته بیان جمع خواهد شد؛ یعنی هم تحقق خارجی دجال اعور و سفیانی و... پذیرفته و هم این امور را به عنوان جلوه‌هایی از تحقق بُعدی خاص از باطل می‌پذیریم. البته در این صورت این احتمال خواهد بود که اصل تحقق این نماد باطل را از علایم قطعی ظهور بدانیم و تحقق آن شکل خاص - دجال اعور و قیام مردی از تبار عبدشمس - را علامتی محتوم تلقی نکنیم (برای توصیف دجال اعور، نک: الهيئة العلمية، ۱۴۲۸: ج ۳، ۵۱ - ۶۸، و برای سفیانی همو: ج ۲، ص ۲۵۷ - ۲۶۶ و ۳۸۷ - ۳۹۸).^۳

۹. توصیف ظاهر مهدی و رفتارهایش^۴

در برخی روایات نبوی از خلقت و سیمای مهدی عجل الله فرجه خبر داده شده است؛ توصیف کسی که

۱. سمعت أنس بن مالك يقول: إن النبي ﷺ قال: ما من نبي إلا وقد أنذر أمته الأعداء الكذاب (ابن حزم، بی تا: ج ۱، ۴۹؛ ابن ابی شیبیه، ج ۱۵، ۱۲۸ و ۱۳۷). قال رسول الله ﷺ: انى خاتم ألف نبي وأكثر ما بعث نبي يتبع إلا قد حذر أمته الدجال (شيباني، ۱۴۱۴: ج ۲، ۷۹؛ و با همین مضمون نک: همو: ج ۶، ص ۱۳۹ - ۱۴۰؛ قزوینی، بی تا: ج ۲، ۱۳۵۹؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۳۶؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۳، ۳۰۸).

۲. قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ ثَعْلَبَةَ بْنَ مَيْمُونٍ حَدَّثَنِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغْبِرَةِ، عَنْ زَيْنِدِ الْعَمِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: «يَقُومُ قَائِمًا لِمُؤَاَفَاةِ النَّاسِ سَنَةً». قَالَ: «يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ السُّفْيَانِيِّ! إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ، وَ لَا يَكُونُ قَائِمًا إِلَّا بِسُّفْيَانِي» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۷۴) در این روایت قائم معرفه و سفیانی به صورت نکره آمده و می‌تواند مراد از سفیانی برخلاف قائم عنوانی کلی باشد نه فردی مشخص و معهود.

۳. این روایات عمدتاً سند قابل اعتنایی ندارند.

۴. قال رسول الله ﷺ: المهدي مني أجلي الجبهة، أفنى الأنف (سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۹، ۱۷۶). قال رسول الله ﷺ: ليعيش الله من عترتي رجلاً أفرق النايأ أجلا الجبهة (ابن عدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۴۲۳). وقال رسول الله ﷺ: المهدي رجل من ولدي لونه لون عربي و جسمه جسم إسرائيلى على خده الأيمن خال كأنه كوكب دري يملأ الأرض... (سيوطی، ۱۳۵۲: ج ۲، ۶۳).

هنوز به دنیا نیامده است. این توصیفات از دهان مخبری صادق مخاطب را به باوری محکم تر به مهدی علیه السلام می رساند و قطعیت وعده و موعود را در دل ها می نشاند.

۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام و همراهی اش در قیام با مهدی علیه السلام و اقامه نماز پشت سر آن حضرت^۱

نزول عیسی از آسمان و همراهی او با مهدی علیه السلام می تواند اتمام حجتی بر پیروان بسیار او باشد. از میان اهل کتاب، مسیحیان به تصریح قرآن از زمینه مناسب تری برای هدایت برخوردارند^۲ و نزول مسیح می تواند هم کمک های ارزشمند این عبد صالح و پیامبر عظیم الشان خدا را با مهدی علیه السلام همراه کند و هم بر امتی بزرگ اتمام حجت نماید.

سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله در باب نزول عیسی علیه السلام برای یاری مهدی علیه السلام از یک سو پاسخی است به ادعای منجی بودن مسیح و از سوی دیگر اشاره ای دارد به عظمت مهدی علیه السلام که حتی بر پیامبر اولوالعزمی مانند عیسی علیه السلام نیز مقدم بوده و امام اوست. اوست که برای نصرت مهدی علیه السلام می آید و باز اوست که به مهدی علیه السلام اقتدا می کند.

۱۱. يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا

این تعبیر مشهورترین بیانی است که درباره مهدی علیه السلام وارد شده و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بارها آن را تکرار کرده است. این عبارت کوتاه نکات متعددی را در خود جای داده است:

الف) قسط و عدل و همچنین جور و ظلم هم معنا نیستند

در لفظ قسط، مفهوم سهم و نصیب نهفته است (فیومی، بی تا: ج ۲، ۵۰۳) و برقراری قسط به معنای دادن سهم و نصیب هر چیز و هر کس است. اقامه قسط با این پیش فرض است که هر کس و هر چیزی بر اساس خلقت خویش سهم و نصیبی دارد و ما باید در رفتار خویش این حق را ادا کنیم. جور خروج از این رفتار و ندادن این حقوق است. جور حتی در جایی محقق می شود که ظلمی در کار نیست که علی علیه السلام در پاسخ به مالک و یارانش که از او می خواستند تا سهم ایشان از بیت المال را به زیاده خواهان دهد. می فرمود: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَظْلُبَ النَّصْرَ بِالْجُورِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۸۳)؛ آیا از من می خواهید تا پیروزی را با جور طلب کنم؟» علی علیه السلام با رضایت اینان نیز نمی خواهد سهم ایشان را به زیاده خواهان دهد. این ظلم نیست، که رضایت

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ... كَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا أَوْلَاهَا وَ اثْنَا عَشَرَ مِنْ بَعْدِي مِنَ السُّعْدَاءِ وَأَوْلُو الْأَلْبَابِ وَالْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَخْبَاهَا وَلَكِنْ يَهْلِكُ مِنْ بَيْنِ ذَلِكَ أَنْتَجَّ الْهَرَجَ لَيْسُوا مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُمْ (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۵۲؛ همو، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۶۹). و عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنَصْرَتِهِ فَقَدِمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۷۳).
 ۲. «لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَ زُهَبَانَا وَ أَنَّهُمْ لَا يَشْتَكِرُونَ» (مانده: ۸۲).

صاحبان اموال هست، اما جور هست که این نصیب آنان است نه سهم زیاده خواهان. در نگاه شیعه، حکومت و حکمرانی جز در پرتو حکومت معصوم علیه السلام در جایگاه خود قرار نمی‌گیرد. این حکومت مهدی علیه السلام است که نه تنها ظلم و تعدی را می‌زداید، بلکه با هر کس و هر چیزی همان‌گونه که حق اوست و متناسب با آفرینشش رفتار خواهد کرد. آن‌جا که مقام معصوم در اختیار غیر او باشد چنین سطحی از قسط و عدل شکل نخواهد گرفت و جهل یا ظلم حاکم و حکومت، مردمان را از چنین قسط و عدلی محروم خواهد کرد.

ب) تصویر و توقع مؤمن از حکومت دینی

روایت نبوی سطح آرزوهایی را ترسیم می‌کند که می‌توان در زندگی این دنیا داشت. برپایی قسط هدفی است که تمامی انبیا برای برپایی آن توسط مردم آمده بودند. این تصویر است که مؤمن را در برابر هر حکومتی ناراضی می‌کند، حتی اگر مظهر عدالت اجتماعی و رفاه باشد. این سطح توقع و این حد از گشایش و فرج را جز در حکومت معصوم نمی‌توان یافت و مؤمن منتظر چنین گشایشی است. انتظار مؤمن، انتظار شکل‌گیری چنین گشایشی است و تلاشی که از او خواسته‌اند زمینه‌سازی برای چنین حرکتی است.

ج) تصویر امیدساز و نشاط‌آفرین

وعدۀ غلبۀ حتمی حق بر باطل و استقرار حکومت عصمت امیدساز است و حرکت‌زا. تصویری که رسول از آینده به دست داده همواره فروغ امید به رفع ظلم و اقامۀ حق را در دل مسلمانان زنده داشته و در هنگامه‌های رنج و بیداد فضایی برای نجوا، توسل و آرامش فراهم آورده و زمینه‌ای برای تلاش و حرکت ساخته است.

۱۲. او حکومتی خواهد داشت کوتاه، اما سرشار^۱

وفور نعمت، شکوفایی استعدادها، اعتلای کلمۀ حق، پاک شدن زمین از پلیدی، غنا و بی‌نیازی مردمان و رضایت همگان جلوه‌هایی هستند از جمال این حکومت الهی. این تصویر، ثمرۀ حکومت حجت خداست. این جوشش زمین و بارش آسمان^۲ همان چیزی است که در قرآن بر ایمان و پایداری بر تقوا و بر برپایی کتاب‌های الهی وعده داده است.

۱. مدت حکومت حجت خدا علیه السلام در بیشتر روایات نبوی کمتر از ده سال است (روایات ابوسعید خدری، ام سلمه، ابن مسعود و ابوهریره) و در دو روایت از حدیقه این مدت بیست و چهار سال گفته شده است (نک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۱۸۵ - ۱۸۹).

۲. «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده: ۶۶). «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْبُرْجِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶).

کوتاهی این حکومت، نشان از سرعت رویشی است که در پرتو حکومت معصوم حاصل می‌شود؛ زمین در زمانی کوتاه با این همه ظلم و بیداد و نامرادی به اوجی می‌رسد که برای گرفتاران غیبت آرزویی فراتر از تصور است.

نتیجه

رسول خدا ﷺ در احادیث مهدوی افزون بر تبیین معارف، تلاش کرده است جایگاه محوری عترت را گوشزد کند و بر این نکته تأکید ورزد که سیره و رفتار او با حکومت عترت او برقرار خواهد شد. او همچنین مؤمنان را برای دوره‌هایی آماده می‌کند که حجت‌های خدا در جایگاه خود قرار نداشته یا در دسترس نیستند. او مشکلات و راه‌های نجات را نشان داده و امید می‌دهد که ظهور هنگام یأس، و پیروزی پس از غلبه فساد و تباهی رخ خواهد داد و در متن نومی‌دی می‌توان و باید امیدوار بود و تلاش کرد.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مكتبة آية الله نجفی المرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن ابی شیبة، عبدالله بن محمد، المصنف، تحقیق و تصحیح: سعید اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۳. ابن الغضائری، احمد بن الحسین، الرجال، تحقیق: محمدرضا حسینی، قم، دارالحديث، ۱۳۶۴ش.
۴. ابن بابویه، علی بن الحسین، الإمامة والتبصرة من الحيرة، تحقیق: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، نشر مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن حزم، علی بن احمد، المحلی، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقیق: محمد حسین حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۷. ابن عبدالوهاب، حسین، عیون المعجزات، قم، مكتبة الداوری، بی تا.
۸. ابن عدی، عبدالله، الكامل فی ضعفاء الرجال، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۹. ابوریه، محمود، اضواء علی السنة المحمدية، بی جا، نشر البطحاء، بی تا.
۱۰. _____، ابوهریرة شیخ المضیرة، مصر، دارالمعارف، ۱۹۶۵م.
۱۱. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول، قم، دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
۱۲. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبین، تحقیق: کاظم مظفر، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
۱۳. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک، تحقیق: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۴. حلبی، برهان الدین سبط ابن العجمی، الكشف الحثیث عن رمی بوضع الحدیث، تحقیق: صبحی سامرائی، بیروت، مكتبة النهضة العربية، ۱۴۰۷ق.
۱۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۱۶. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، نشر بیدار، ۱۴۰۱ق.

۱۷. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
۱۸. ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۱۹. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، *النوادر*، تحقیق: احمد صادقی اردستانی، قم، دارالکتاب، بی تا.
۲۰. رضوی، سید مرتضی، *مع رجال الفکر فی القاهره*، بیروت، الارشاد، ۱۴۱۸ق.
۲۱. سجستانی، ابن الأشعث سلیمان ابوداود، *سنن ابی داود*، تحقیق و تصحیح: سعید اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *العاوی للفتاوی*، مصر، ادارة المطبعة المنیریة، ۱۳۵۲ق.
۲۳. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۴. شیبانی، احمد بن حنبل، *المسند*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ق.
۲۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ق.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
۲۷. _____، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۸. _____، *کتاب من لایحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۹. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *المصنف*، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت، المکتب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الأوسط*، تحقیق: طارق بن عوض الله و عبدالحسن بن ابراهیم، بی جا، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۳۲. _____، *الفهرست*، تحقیق: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
۳۳. _____، *الامالی*، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۳۴. عاملی، جعفر مرتضی، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۵ق.

۳۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، قم، منشورات دارالرضی، بی تا.
۳۷. قزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۳۸. مدیر شانه چی، کاظم، *علم الحدیث*، بی جا، بی تا، ۱۳۶۲ش.
۳۹. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق.
۴۰. نسائی، احمد بن علی بن شعیب، *کتاب الضعفاء و المتروکین*، تحقیق: محمد ابراهیم زاید، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
۴۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (ابن ابی زینب)، *الغیبة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۴۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۴۳. هیئة العلمية فی مؤسسة المعارف الاسلامية، *معجم احادیث الامام المهدي* عليه السلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۲۸ق.
۴۴. هیشمی، علی بن ابی بکر، *مجمع الزوائد*، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۰۸ق.

